# الف) تکرار ای عدم تکرر کفاره در صوم

یکی از آن‌ها این است؛ می‌خواهم چند عبارت بخوانم تا اگر این حرف سر برسد، فوائد آن را ببینید.

# بیان مرحوم حکیم در نقد محقق ثانی در بقاء ماهیت صوم

در مستمسک، صفحه سیصد و پنجاه و سه، کلام محقق ثانی را نقل کردند و بعد فرمودند این قول درست نیست و ضعیف است. بعد می فرمایند اگر کسی خواست از ایشان دفاع کند:

> **ودعوى : أنه لا دليل على انتقاض الصوم باستعمال المفطر أولا ، بل من الجائز صحته حتى بعد استعماله. ودليل القضاء لا ينافي ذلك ، لإمكان كونه واجبا تعبدا، نظير الكفارة. مندفعة : بأنه خلاف صريح النصوص الدالة على ماهية الصوم ، وبيان المفطرات ، ونصوص القضاء أيضا، إذ ليس القضاء إلا فعل ما لم يفعل في وقته. فراجع ، وتأمل** [1]

**«ودعوى : أنه لا دليل على انتقاض الصوم باستعمال المفطر أولا»؛** اگر شما یک دفعه خوردید، حتی با اینکه عمداً هم خورده باشید، چه کسی گفته روزه باطل شد؟! یعنی با حکم وضعیای که در ذهن ما است، دارد مخالفت می‌کند. نه، حتی اگر عمداً هم خورده باشد، روزه اش باقی است. چه کسی گفته با استعمال عمدی مفطر در اولین مرتبه، روزه باطل می‌شود؟! نه، روزه باقی است.

**«بل من الجائز صحته حتى بعد استعماله»؛** حتی بعد از استعمالی عمدی مفطر روزه باقی است.

**«و دليل القضاء لا ينافي ذلك»؛** این هم که گفتند بعداً قضا کن منافاتی ندارد. باید قضا کنی اما این روزه درست نیست. شبیه بحث سنگینی است که چندبار دیگر هم عرض کردم. از

جاهای خوب فقه است. وقتی حج را افساد می‌کند، فقها بحث کرده‌اند. اگر بحث نکرده بودند که به‌صورت ارسال مسلم کسی به ما جواب می‌داد. بحمدالله در آن جا بحث کرده‌اند. وقتی حج واجب را افساد کرد باید سال بعد به جا بیاورد. یعنی یک نحو قضا است. خُب بحث سنگینی حسابی شده که حج سال بعد عقوبت است یا قضا است؟ یعنی حج امسال فاسد است؟ به این معنا که دیگر از بین رفت و باید حج بعدی را به جا بیاورد؟ یا اینکه حج پارسال حجة الاسلام است و حج سال بعد عقوبت است؟

اینطور که در خاطر من است، مرحوم صاحب جواهر در دو جای جواهر دو جور فرمایش فرموده‌اند. در بحث افساد فرموده‌اند که فاسد است و حج بعدی قضاء است. در کفارات، ظاهر عبارات ایشان است که بر می‌گردد و می‌گویند آن حج صحیح است. با این بحث‌ها تا حدی می‌توان بیشتر راجع به آن صحبت کرد.

حال در اینجا هم کسی می‌گوید، صوم حکم وضعی نیست که با آمدن مفطر باطل شود، بلکه باقی می‌ماند. «لإمكان كونه واجباً تعبداً، نظير الكفارة».

خُب حال فرمایش ایشان چیست؟

**«مندفعة: بأنه خلاف صريح النصوص الدالة على ماهية الصوم»؛** نصوص بسیار زیادی می‌گویند صوم، ترک مفطر است. باید مفطرات را انجام ندهد. ماهیت صوم این است. وقتی عمداً خورد، ماهیت می‌رود. حال می‌خواهد چه کار کند؟ صحت و بطلان فرع بر اصل ماهیت است، فساداً یا صحیحاً. در اینجا هم کل ماهیت رفت.

# بقاء ماهیت صوم و قابلیت توزیع وضعی صوم در حیثیات عرضی مفطرات در کلام شیخ انصاری

این فرمایش ایشان در در آن خوب است. اما اگر برای حکم وضعی انواعی را در نظر گرفتیم؛ کما اینکه مرحوم شیخ انصاری در کتاب صوم، برای اینکه اینها را تصحیح کنند، می‌فرمایند – جمله بسیار دقیقی دارند -:

> **إلّا أن يقال بكون الإمساك عن كلّ مفطر مفطر أيضا بمنزلة الأجزاء الغير الركنية، فماهيّة الصوم هي الكفّ في كلّ جزء جزء من النهار عن كلّ مفطر مفطر، و فوات الكفّ في بعض النهار نسيانا أو فوات الكفّ في جميع عن مفطر واحد نسيانا، لا يقدح في الماهية[2]**

**«... فمايّة الصوم هي الكفّ في كلّ جزء جزء من النهار عن كلّ مفطر مفطر»؛** یعنی وضعیای است که تمام اجزاء روز را مستوعب است. یعنی هر لحظهای که شما کفّ میکنید، یک لحظه نیست که خالص شوی، در همین لحظهای که از مفطر امساک دارید، به ازاء هر مفطری، ماهیت صوم وجود خودش را نشان میدهد. لذا میفرمایند اگر یک جایی خورد، باز کفّ از زیر آب کردن سر و سائر مفطرات باقی است. چون آن کفّ را انجام داده ماهیت مخدوش نشده است. نکتهی خیلی ظریفی دارند؛ یعنی خواستند ماهیت را تثبیت کنند، حتی بعد المفطر.

**شاگرد**: در این عبارت منظورشان این نیست که انعدام طبیعت به انعدام جمیع افرادش است؟

**استاد**: بله، من وارد آن نشدم. فقط اشاره کردم.

**شاگرد**: شاید اشارهای به مراتب حکم وضعی نداشته باشند.

**استاد**: چون اول یک تصحیحی میکنند و بعد میگویند «لو استغرق النهار»؛ یعنی یک مفطری بود که در یک لحظه هم از آن خالی نبود و کل نهار را مستوعب شد، بعد از این است که این حرف را میزنند. میگویند: «كما لو استنقعت المرأة في الماء طول اليوم»؛ یعنی در کل روز در آب باشد.بنا بر قول فسادش البته.

**شاگرد۲**: نظرشان این است که در آنِآخر است که ماهیت صوم شکل میگیرد؟

**استاد**: نه، میگویند ماهیت صوم این است که خودش را در تکتک اجزاء نگه دارد.

**شاگرد۲**: یعنی اگر وسط روز هم خورد صومش محقق شده؟

**استاد**: نه، ایشان ناظر به حرف آلآن من نیستند. من دارم ربط میدهم. ایشان یک فضایی دارند. بحث ایشان زمینه جالبی دارد. فعلاً خواستم روی فرمایش ایشان در «کل جزء جزء» اشاره کنم که نکته قشنگی است.

**شاگرد۳**: حیثیتی که میخواستید از کلام ایشان استفاده کنید را بفرمایید.

**استاد**: من میخواستم بگویم وقتی صوم حکم وضعی کفّ است، این حکم وضعی قابل توزیع است حتی بر شئونات عرضی حیثیات مفطر. یعنی حکم وضعی این قدر لطیف و ظریف است. یعنی شارع فرموده امساک کن. در چه زمانی؟ در «کل جزء جزء»؛ امساک کن از زیر آب بردن سر، امساک کن از اکل، امساک کن از شرب. اگر امساک هر یک از اینها بیاید، میتواند میخ خیمه بقاء ماهیت صوم باشد. ولو از یک حیث دیگری این امساک صدمه ببیند. کلام ایشان در سهو و ... است.

**شاگرد۳**: عبارت ایشان بیشتر ملائم با فضای فعلیت تدریجی است، تا طولیت انشاء. یعنی اقتضائ تدریجیت این است که انبساطش هم تدریجی باشد.

**استاد**: نه، میخواهم بگویم با وضعیت هم منافی نیست. حکم وضعی صوم که آلآن در ارتکاز ما است، یک امری توزیعی شد؛ هم بر اجزاء طولی نهار و هم بر حیثیات عرضیه ای که در آن هست.

**شاگرد۳**: اگر کسی آن را انجام داد، صحت را چطور در نظر میگیرد؟ یعنی مشروط بر این است که تا آخر همه این امساک ها را داشته باشد، و الا اگر در یک آن، یک امساک را انجام ندهد... .

**استاد**: فرض گرفتیم کسی از اول طلوع تا غروب چیزی میخورد، یک لحظه از خوردن فروگذار نکرده است. اشکال مرحوم شیخ هم همین بود. خُب چطور میخواهید صوم او را درست کنید؟ و حال اینکه هیچ

چیزی ته آن نماند.

**شاگرد۳**: حال اگر کسی در دو آن، عمداً خورد، با این مبناء چطور می‌خواهید این را درست کنید؟

**استاد**: قبلش فرمودند. حال بعداً به عبارت ایشان می‌رسیم. من مسیری که می‌خواهم جلو بروم را بگویم تا به فرمایش شیخ برسیم.

# ذوب مرتب بودن ماهیت وضعی صوم و امکان تشکیک در ماهیات

**شاگرد**: با توجه به این فرمایشاتی که داشتید، خود صوم هم ذوب مراتب می‌شود؟ تشکیکی می‌شود؟

**استاد**: ماهیت صوم بله. انشائات طولی تنها در احکام تکلیفی طولی نشد. احکام وضعیه طولیه هم می‌تواند باشد.

**شاگرد**: خود موضوع صوم به‌عنوان ماهیت هم ذوب مراتب شد؟

**استاد**: اتفاقا اصل عرض من در همین است؛ در احکام وضعیه طولیه. وضع، ماهیت درست می‌کند. احکام وضعیه ای که ماهیت درست می‌کند، در طول هم باشند.

**شاگرد**: پس نباید مراد آنها ماهیت فلسفی باشد، چون ماهیت فلسفی که قابل تشکیک نیست.

**استاد**: جلوترها از ماهیت فلسفی هم صحبت شد؛ تعریف آن، مقول به تشکیک بودنش. معروف شده که در ماهیت تشکیک نیست. بعض اساتید می‌فرمودند از اسرار حکمتشان این بوده که ما قائل به تشکیک در ماهیت هستیم! جلوترها عرض کردم که اصلاً نیازی به اسرار نیست. این جزء واضحات بحث است. به شرطی که «تحت هذا سرّ» نباشد! آن استاد می‌گفتند هر کجا این‌سینا در اشارات می‌گوید «و تحت هذا سرّ»، از جاهایی است که با ارسطو مخالف کرده اما جرأت نمی‌کند که بگوید! چون اگر بگوید می‌گویند تو چه کسی هستی؟! ارسطاطالیس، معلم اول و...! لذا می‌فرمودند: «تحت هذا سرّ»، اگر دقت کنید در حرف او است، ولی جرائت نمی‌کنند که بگویند. شیخ الرئیس بعداً شیخ الرئیس شد، در زمان خودش که این خبرها نبود. حال هم حتی در اینکه ماهیت در فضای فلسفی تشکیک بردار هست یا نیست، بحث‌های مفصلی دارد، خیلی مسلم نیست. در مانحن فیه هم ماهیات اصطناعی و اختراعی و حقوقی و با نگاه اعتباری روشن‌تر است.

# ماهیت طولی صوم و نقد مرحوم حکیم در امکان تکرر کفاره صوم

پس عرض الآن من این است: میخواهم برای صوم بهنبال یک ماهیت باشیم که حکم وضعی ارتکازی ما را پوشش میدهد؛ آن هم بهصورت بسیار خوب و مطابق با ارتکاز ما، و درعینحال با سائر ادله شرعیه که در اینجا داریم منافاتی نداشته باشد.

مرحوم حکیم میفرمایند: جناب محقق ثانی! چون نصوص کثیره میگوید ماهیت صوم این است، پس حرف شما مردود است. محقق ثانی میتوانند بگویند: نصوص شرعیه ای که میگویند ماهیت صوم این است، درست است، اما آنها درجهای از ماهیت را به حکم وضعی میگویند. ماهیت صوم از ناحیه حکم وضعی و ماهوی خودش درجاتی دارد که آن درجات طولی وضعی، منافاتی با حرف من ندارد. من میگویم اگر عمداً خورد، خورده باشد، در اینجا عقوبت دارد. اما ماهیت صوم بهعنوان امر شارع مقدس به «صم» هنوز باقی است.

عبارت خلاف را هم خواندیم. فرمودند: «اصل الحکم فی محله». در مسأله بیست و پنجم هم فرمودند « فلیصمه و هذا قد شهد الشهر». خیلی جالب بود که مرحوم شیخ «فلیصمه» را در اینجا آورده بودند. محقق ثانی میفرمایند یک عبد گناه کرد و عمداً روزهاش را خورد، درست است که خورده، اما هنوز امر «ایها العبد صم هذا الیوم» باقی است. این فرمایش محقق ثانی است. میفرمایند هنوز باقی است. نه اینکه ماهیت رفت و تمام شد. بلکه ماهیت باقی است. چون امر باقی است، دفعه دوم دوباره عمداً میخورد، کفاره جدید میآید. افطار جدید و کفاره جدید. «فیتعدد الکفار، بتعدد المفطر الواحد فی یوم واحد». این فرمایش محقق ثانی بود.

**شاگرد**: طبق این بیان، این امر هیچ وقت نمیرود.

**استاد:** بله، و لذا مرحوم شیخ آن را شئونات ی کردند تا از بین نرود. از نکات جالب فرمایش شیخ این بود. جایی هم که بحث گیر افتاد تا از بین برود، چون کل شبانهروز مرأة در ماء نشسته بود، بنا بر فتوای حلبی، کل روز و لحظه به لحظه داشت مفطر را انجام میداد، گفتند پس چیزی که ته آن نماند، فرمودند او مفطر در آب را انجام داده، اما مفطر زیر آب بردن سر را که انجام نداده. آن را حیثی کردند تا بگویند ماهیت آمده. پس چون از یک حیث دیگری مفطر را ترک کرده، پس اصل المامیه هست. چرا؟ چون «اصل المامیة کف النفس فی کل جزء جزء من کل مفطر مفطر» است. اگر یک مفطر آن برود که مفطر دیگر بوده، پس ماهیت هست. این از جاهای جالب فرمایش شیخ است که میخواستند این ماهیت را باقی نگه دارند. با وضعیت طولیهای که من عرض میکنم، تصورش روشنتر میشود.

# تفاوت فعلیت تدریجیه انبساطی و انشائیات طولیه

**شاگرد**: در مسأله بلوغ بحث تدریجیت را مطرح فرمودید؛ مثلاً وقتی در ساعت نه صبح بالغ شود می‌گویند الآن دیگر نماز بر او واجب است. اما منافاتی ندارد با اینکه هنوز وقت اذان نشده باشد. یعنی براساس تدریجیت و تصرم زمان، و طبق انبساط تدریجی احکام در خارج، شارع هم احکامش را صادر می‌کند. در اینجا بحث را در ناحیه جعل نبردید و در ناحیه فعلیت تدریجیه مطرح می‌کردید.

**استاد**: آن جا واجب موسع بود. یعنی واجب موسعی که می‌خواهد از ظهر، نماز را انجام بدهد.

**شاگرد:** خصوصیت نداشت. شما به بحث بلوغ مثال می‌زدید.

**استاد**: برای اثناء نماز بود.

**شاگرد**: بله. همیشه با این مثال توضیح می‌دادید که در ساعت نُه، به این آقا می‌گوییم دیگر نماز بر تو واجب شد یا نه؟ همه می‌گویند بله، به سن تکلیف رسیده‌ای. ولی کسی نمی‌گوید هنوز که دو ساعت به اذان مانده. این را در فضای تدریجیت جلو می‌بردید. در موارد متعدد اینطور بحث را جلو می بردید. ولی چرا در صوم نمی‌فرمایید که صوم برای طبیعت امساک آن است؟ اما وقتی می‌خواهد در خارج محقق شود، انبساط تدریجی پیدا می‌کند و هر آنش ممکن است خصوصیات خودش را داشته باشد.

**استاد**: تعریف فعلیت این است: تحقق موضوع ِمناسب با شأنی که حکم می‌خواهد طبق آن، بالفعل شود. الآن صحبت ما سر فعلیت نیست. صحبت ما قبل از فعلیت است. یعنی ببینیم شارع در موضوع حکم چه کار کرده که حال لازمه آن این فعلیت تدریجی است. عرض من این است قبل از اینکه به خارج برویم و فعلیت تدریجی حکم را نگاه کنیم، چون شارع در اصطناع موضوع، در انشاء آن حکم ثبوتی، احکام وضعیه طولیه و تکلیفی طولیه را نگه داشته، بنابراین یکی از آثارش می‌تواند فعلیت تدریجیه باشد. یعنی خود فعلیت تدریجی یکی از آثار آن است. لذا کلام ما قبل از فعلیت است. دقیقاً در جایی هستیم که شارع دارد ماهیت را تعریف می‌کند. ماهیت صوم را به‌عنوان یک حکم وضعی قرار می‌دهد؛ دارد برای آن انشاء احکام می‌کند. خب طوری انشاء کرده و احکام وضعیه را در عالم ثبوت، طوری قرار داده که لازمه‌اش این‌ها است. لازمه‌اش این است که ماهیت صوم از بین نمی‌رود. بلکه باقی می‌ماند و تنها مرتبه کامله آن از بین می‌رود.

**شاگرد**: چرا در آن مقام بردید؟

**استاد**: چون ایشان می‌گویند ماهیت می‌رود. می‌گویند در بحث فعلیت می گویند وقتی ماهیت رفته دیگر فعلیت را می‌خواهید چه کار کنید؟ ماهیت که رفت چطور می‌خواهید بگویید باز مفطر باقی است؟ در اینجا می‌توانید در فعلیت تدریجیه ببرید؟! نمی‌شود. اگر می‌شود بفرمایید. چون ایشان صحبت را سر ماهیت می‌برند، ماهیت که برای فعلیت تدریجیه نیست. ماهیت پشوانه خارج است و تحقق آن در خارج و فعلیت تدریجیه آن در خارج است.

---

[1] مستمسك العروة الوثقى نویسنده : الحكيم، السيد محسن جلد : ۸ صفحه : ۳۵۳

[2] كتاب الصوم، الأول نویسنده : الشيخ مرتضى الأنصاري صفحه : ۱۸

---

بازبینی #1
ایجاد شده 3 مه 2026 13:52:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 مه 2026 14:00:49 توسط ... .